

بررسی علیت پویا بین کسری بودجه (BD) و کسری حساب جاری (CAD) در چارچوب مدل مندل-فلمینگ در ایران: رویکرد پنجره رولینگ بوت استرپ

علی مریدیان
حشمت اله عسگری*

: گروه اقتصاد، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
: گروه اقتصاد، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

چکیده

اقتصاد ایران همواره با افزایش دائمی در کسری بودجه مواجه بوده است که این مساله مانع توانایی این اقتصاد برای دستیابی به رشد اقتصادی فراگیر شده و از سوی دیگر همواره با بی‌ثباتی در بخش خارجی (کسری تراز تجاری) روبرو است. برای تحقق ثبات در اقتصاد و رشد اقتصادی پایدار و در عین حال فراگیر، این دو کسری، یعنی کسری بودجه و کسری تجاری، باید با دقت کنترل شوند. در این مقاله با کمک رویکرد پنجره غلتان راه‌انداز (بوت استرپ)، به تحلیل رابطه علیت پویا بین کسری بودجه و کسری تجاری در ایران طی سالهای ۱۳۹۷-۱۳۴۴ پرداخته شده است. با در نظر گرفتن شکاف‌های ساختاری، منشأ و خاتمه هر دوره علیت بررسی می‌گردد. نتایج مقاله نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۶ کسری بودجه تأثیر مثبتی بر کسری تجاری داشته است که با نتایج مدل موندل-فلمینگ مطابقت دارد، در حالی که طی دوره‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۶ و ۱۳۷۷-۱۳۷۸ و ۱۳۸۴-۱۳۹۲ به دلیل کنار گذاشتن کسری تجاری تأثیر منفی داشت که این امر به دلیل نبود بازارهای مالی سازمان یافته یا کمتر سازمان یافته در کشور برای تامین مالی بودجه دولت می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که کسری تجاری در دوره ۱۳۷۱-۱۳۷۰ تأثیر مثبت و معنادار و در دوره‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۴، ۱۳۶۴-۱۳۶۰، ۱۳۶۹-۱۳۶۸، ۱۳۸۵-۱۳۸۴ و ۱۳۹۰-۱۳۸۸ تأثیر منفی و معنی داری بر کسری بودجه دولت گذاشته است. این بدان معنی است که دولت ایران نمی‌تواند از سیاست مالی برای تنظیم عدم تعادل بخش خارجی خود استفاده کند.

کلیدواژه‌ها: کسری مالی؛ کسری تجارت؛ رویکرد پنجره غلتان

طبقه‌بندی JEL: E62, C32, F41

* h.asgari@ilam.ac.ir

بررسی تاثیر اطلاعات نامتقارن بر روی بازدهی سهم: استفاده از رویکرد وی پین در بازار بورس و اوراق بهادار تهران

ندا اسماعیلی*

: گروه ریاضی کاربردی و علوم کامپیوتر، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مریم ایهامی

: گروه ریاضی کاربردی و علوم کامپیوتر، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

هدف این مقاله بررسی وجود اطلاعات نامتقارن در بازار سهام ایران و تأثیر آن بر بازده مورد انتظار سبدمالی با استفاده از ابزار اندازه‌گیری احتمال حجم-همگام شده‌ی معامله‌ی آگاهانه (VPIN) است. برای این منظور از داده‌های واقعی ۴۰ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران (TSE) در بازه زمانی ۱ فروردین ۱۳۹۷ تا ۲۹ اسفند ۱۳۹۸ استفاده کردیم. نتایج نشان‌دهنده وجود سطوح سمیت متوسط در سفارشات سهام این ۴۰ شرکت منتخب در بازه زمانی مورد بررسی است. از آنجایی که اطلاعات نامتقارن برای سرمایه‌گذاران ریسک به همراه دارد، از این‌رو ممکن است آن‌ها برای معامله دارایی‌های با ریسک اطلاعات نامتقارن حق بیمه درخواست کنند. به عبارت دیگر بازارسازان ممکن است ریسک اطلاعات نامتقارن را در قیمت‌گذاری دارایی‌ها بگنجانند. برای بررسی این موضوع، تأثیر ریسک اطلاعات نامتقارن را بر بازده سهام با افزودن یک عامل مرتبط با سطح سمیت سفارش‌ها به مدل‌های قیمت‌گذاری دارایی ۳، ۴ و ۵ عاملی مورد ارزیابی قرار دادیم. با توجه به یافته‌های این پژوهش، تأیید می‌کنیم که بازار سهام ایران ریسک اطلاعات نامتقارن را در بازه زمانی ۱ فروردین ۱۳۹۷ تا ۲۹ اسفند ۱۳۹۸ قیمت‌گذاری کرده است. بنابراین، در نظر گرفتن عامل ریسک اطلاعاتی علاوه بر ترکیبی از عواملی مانند بازار، اندازه، سودآوری و سرمایه‌گذاری برای به دست آوردن موثرترین توضیح برای بازده سبدهای مالی ضروری است.

کلیدواژه‌ها: اطلاعات نامتقارن؛ بازدهی‌های سهم؛ ریسک اطلاعات؛ مدل‌های قیمت‌گذاری دارایی چندعاملی؛ احتمال حجم-همگام شده‌ی معامله‌ی آگاهانه (وی پین).

طبقه‌بندی JEL: D4، Q82، G12، G12

تحلیل اثرات شوک نرخ بهره در اقتصاد ایران با در نظر گرفتن بانکداری سایه با استفاده از

مدل تعادل عمومی پویا تصادفی

اشکان مکی پور*	: گروه اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
احمد صلاح منش	: گروه اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
ابراهیم انواری	: گروه اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
لیلا رشنوادی	: دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

در سال‌های اخیر با گسترش نهادهای مالی مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی و صندوق‌های تأمین مالی، بخشی در اقتصاد ایران شکل گرفته است که به موازات بخش بانکداری استاندارد، وظایف خود را انجام می‌دهد. به عنوان بانکداری سایه شکل‌گیری چنین ساختاری در اقتصاد را می‌توان بخشی از سازوکار انتقال پولی دانست و بر متغیرهای کلان اقتصادی اثرگذار بود. این مطالعه نشان می‌دهد که بانکداری سایه در ایران به سرعت در حال رشد است و به دلیل عدم فعالیت در چارچوب مقررات بانک مرکزی می‌تواند اثربخشی سیاست‌های پولی را کاهش دهد. در این تحقیق به منظور مدل سازی بخش بانکداری سایه، از مدل تعادل عمومی تصادفی پویا (DSGE) با در نظر گرفتن بخش‌های مختلف اقتصاد طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۹ استفاده شده است. نتایج شبیه‌سازی نشان می‌دهد که تأثیر بخش بانکداری سایه بر متغیرهای کلان اقتصادی مشابه تأثیر بخش بانکداری استاندارد است که نشان‌دهنده تأثیر آن بر اقتصاد ایران است. همچنین، شبیه‌سازی شوک‌های مربوط به نرخ‌های بهره نشان می‌دهد که تحولات نرخ بهره در بخش بانکداری سایه عملکردی مشابه مکانیسم انتقال پولی مرسوم در بخش بانکداری استاندارد دارد. بنابراین، تحولات این بخش می‌تواند به طور قابل توجهی بر جهت‌گیری متغیرهای اقتصادی در آینده تأثیر بگذارد.

کلیدواژه‌ها: بانکداری سایه؛ مکانیسم انتقال پول؛ مدل تعادل عمومی پویا تصادفی؛ نرخ بهره.

طبقه‌بندی JEL: E5, G2

* z.makipour@yahoo.com

بررسی نقش عدم اطمینان و اطلاعات نامتقارن بر رابطه قیمت ذاتی-بازاری سهام شرکت‌ها

مصطفی شمس‌الدینی* : گروه حسابداری و اقتصاد، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

حسین نورانی : گروه حسابداری و اقتصاد، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

چکیده

قیمت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد شرکت‌ها در بازار اوراق بهادار است؛ هدف پژوهش حاضر بررسی نقش عدم اطمینان و عدم تقارن اطلاعات به عنوان متغیرهای اصلی اثرگذار بر نوسان قیمت سهام در رابطه‌ی بین قیمت ذاتی و قیمت بازاری سهام شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ است. در این مطالعه سعی شده تا با مدل‌سازی رابطه قیمت ذاتی و قیمت بازاری سهام تحت شرایط وجود عدم اطمینان و عدم تقارن اطلاعات، رابطه قیمت سهام با متغیرهای مذکور در شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدم تقارن اطلاعات بر رابطه قیمت ذاتی-بازاری سهام شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد؛ همچنین متغیرهای مرتبط با عملکرد شرکت و شرایط اقتصادی بر قیمت سهام شرکت‌ها تأثیر معنی‌دار دارد؛ درآمد هر سهم، بازده انتظاری به ریسک و نرخ رشد اقتصادی اثر مثبت و اهرم مالی، نرخ تورم و نرخ ارز اثر منفی بر قیمت سهام شرکت‌های مورد بررسی دارد. به طور کلی، این مطالعه تأکید می‌کند که عدم قطعیت، اطلاعات نامتقارن، عوامل خاص شرکت و عوامل اقتصادی نقشی اساسی در توضیح نوسانات قیمت سهام دارند و چارچوبی ارزشمند برای درک رفتار بازار در زمینه اقتصادهای نوظهور ارائه می‌دهند. از منظر عملی، این یافته‌ها بر ضرورت افزایش شفافیت و کیفیت اطلاعات توسط سیاست‌گذاران و تنظیم‌کننده‌های بازار تأکید می‌کند و در نتیجه اطلاعات نامتقارن را کاهش می‌دهد و اعتماد سرمایه‌گذاران را تقویت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: قیمت ذاتی؛ قیمت بازاری؛ عدم تقارن اطلاعات؛ عدم اطمینان.

طبقه‌بندی JEL: D81، D82، G12، G14

* m.shamsoddini@hormozgan.ac.ir

شناسه دیجیتال DOI: 10.22099/IJES.2024.48925.1939

تاریخ بازنگری: ۲۳ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۴ آذر ۱۴۰۲

تاریخ انتشار برخط: ۲۸ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۱ شهریور ۱۴۰۳

بررسی شوک قیمت نفت و بازار سهام بر سودآوری سیستم بانکی، کاربردی از مدل RDCGE

مرضیه اسفندیاری* : گروه اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
زهرة اسکندری پور : گروه اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
نظر دهمرده : گروه اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
محمدحسن فطرس : گروه اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

چکیده

نقش و اهمیت سیستم بانکی به عنوان منبع اولیه تامین مالی برای کسب و کارها، بررسی عوامل موثر بر سودآوری این بخش را ضروری می سازد. از این رو در این پژوهش با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه بازگشتی (RDCGE) به بررسی تاثیر شوک نرخ ارز، قیمت نفت خام، شاخص کل قیمت سهام و بودجه دولت بر سودآوری سیستم بانکی ایران می پردازد. برای این منظور از ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) سال ۲۰۱۱ و جدول داده - ستانده سال ۲۰۱۶ استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل دوازده سناریو طراحی و پاسخ سودآوری سیستم بانکی در پاسخ به شوک های ۲، ۵ و ۱۰ درصد در نرخ ارز، قیمت نفت خام، شاخص قیمت سهام و بودجه دولت ارزیابی می شود. یافته های تحقیق نشان می دهد که نرخ ارز و قیمت نفت خام بر سودآوری سیستم بانکی تاثیر منفی دارند، در حالی که شاخص کل قیمت سهام و بودجه دولت اثرات مثبت دارند. مقایسه سرمایه گذاری نشان می دهد که شوک های نرخ ارز، قیمت نفت، بازار سهام و بودجه دولت به ترتیب بیشترین تاثیر را بر سودآوری بانک دارند. بنابراین استفاده مناسب از صندوق توسعه ملی و حمایت دولت از بازار سهام برای جذب شوک نرخ ارز و قیمت نفت خام و کنترل پیامدهای ناشی از این شوک ها موثر است.

کلیدواژه ها: سودآوری سیستم بانکی؛ نرخ ارز؛ قیمت نفت خام؛ شاخص قیمت کل سهام؛ بودجه دولت؛ مدل RDCGE

طبقه بندی JEL: E40, F31 D60, G12, H50, C68

* m.esfandiari@eco.usb.ac.ir

بررسی رفتار مصرفی خانوارها ناشی از تغییر تابع مطلوبیت با استفاده از مدل DSGE

حمیدرضا ایزدی* : گروه اقتصاد، دانشگاه دریاوردی و علوم دریایی چابهار، چابهار، ایران.

چکیده

نقش و عملکرد تابع مطلوبیت و الگوی مصرف هر جامعه‌ای، نقش برجسته‌ای در دستیابی آن جامعه به توسعه و رفاه داشته زیرا تغییرات آن، تأثیرات قبل توجهی بر رفتار خانوار و دیگر متغیرهای کلان اقتصادی دارد. از این رو بررسی و تحلیل رفتار مصرفی خانوارها از جهت چگونگی تصمیمات، تخصیص کالاها و خدمات مختلف با توجه به تغییر در محدودیت بودجه‌ای خانوار یکی از مباحث مهم و تاثیرگذار در علم اقتصاد و به جهت سیاست‌گذاری به شمار می‌رود. یک مدل اقتصاد باز کوچک با بازارهای دارایی ناقص دارای یک حالت پایدار است که این حالت، به موقعیت‌های اولیه مدل و پویایی تعادل بستگی دارد که در این مقاله تغییرات متعددی برای مدل‌های استاندارد موجود پیشنهاد شده تا بتوان با تحریک و تغییر حالت پایدار، تغییرات مدل را مشاهده نمود. این مقاله یک روش کمی از روش‌های جایگزین را نشان داده و سه مدل با مشخصات متفاوت را در نظر می‌گیرد: (۱) مدلی با عامل تنزیل درونزا، (۲) مدلی با حق بیمه نرخ بهره کشش بدهی، (۳) مدل هزینه‌های تعدیل پرتفولیو. با توجه به اهمیت این موضوع، این مطالعه با معرفی سه مدل متفاوت فوق به شبیه‌سازی، بررسی و تبیین رفتار متغیرهای کلان اقتصادی خانوار و آثار شوک اقتصادی با استفاده از داده‌های آماری سال ۱۹۷۷ لغایت ۲۰۲۰ در چارچوب یک مدل DSGE می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است با تغییر تابع مطلوبیت واکنش رفتاری متغیر مصرف به شوک ایجاد شده در هر سه مدل شبیه می‌باشد و تفاوت چشم‌گیری دیده نمی‌شود. اما با مقایسه تغییرات متغیر مصرف در سه مدل ارائه شده در این تحقیق می‌توان گفت که کمترین نوسانات و بیشترین همبستگی سریالی مربوط به متغیر مصرف در مدل دوم و بیشترین همبستگی بین متغیرهای تولید و مصرف در مدل سوم دیده می‌شود. این مطالعه به پیوند پیچیده توابع مطلوبیت و رفتار مصرفی خانوار اشاره داشته و بینش‌های ارزشمندی را در زمینه زیربنای اقتصاد کلان به‌ویژه رفتار مصرفی که جوامع مصرفی ما را شکل می‌دهد، ارائه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: تابع مطلوبیت؛ رفتار مصرفی؛ مدل DSGE؛ خانوار.

طبقه‌بندی JEL: C10، C60، E21، F44.

* izadi@cmu.ac.ir

اثر هدف‌گذاری تورم و نرخ رشد پول بر ترازنامه‌های بانک‌ها در دوران کووید-۱۹

اعظم احمدیان* : گروه بانکداری، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیرات هدف‌گذاری تورم و هدف‌گذاری نرخ رشد پول بر ترازنامه‌های بانک‌های ایرانی در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ می‌پردازد. برای دستیابی به این هدف، مطالعه بر سه هدف کلیدی با استفاده از داده‌های سالانه اقتصاد کلان و بخش بانکی از یک کشور در حال توسعه صادرکننده نفت، با بهره‌گیری از روش بیزی و مدل تعادل عمومی پویای تصادفی متمرکز است. اول، تأثیرات اقتصاد کلان و ترازنامه‌ای همه‌گیری کووید-۱۹ بدون استفاده از سیاست‌های هدف‌گذاری تورم یا هدف‌گذاری نرخ رشد پول بررسی می‌شود. دوم، تأثیرات کووید-۱۹ همراه با هدف‌گذاری تورم تحلیل می‌شود و سوم، تأثیرات کووید-۱۹ در کنار هدف‌گذاری نرخ رشد پول مطالعه می‌شود. شوک‌های اصلی بررسی شده در این مقاله شامل شوک کووید-۱۹، شوک هدف‌گذاری تورم و شوک هدف‌گذاری نرخ رشد پول هستند. برای ارزیابی تأثیر این شوک‌ها بر متغیرهای اقتصاد کلان و ترازنامه‌های بانک‌ها، از تحلیل تابع واکنش استفاده شده است. یافته‌های کلیدی نشان می‌دهند که اثرات منفی کووید-۱۹ با سیاست‌های هدف‌گذاری تشدید می‌شود. در طول گسترش همه‌گیری، استفاده از این استراتژی‌های هدف‌گذاری تولید و سرمایه‌گذاری را بیشتر از سناریوهای بدون چنین سیاست‌هایی کاهش می‌دهد. علاوه بر این، هدف‌گذاری تورم به‌ویژه تأثیر بیشتری بر کاهش تولید و سرمایه‌گذاری نسبت به هدف‌گذاری نرخ رشد پول دارد. بر اساس این یافته‌ها، توصیه می‌شود که بانک مرکزی در نظر بگیرد که هدف‌گذاری نرخ بهره را در کنار سیاست‌های هدف‌گذاری تورم و نرخ رشد پول به منظور حمایت بهتر از ترازنامه‌های بانک‌ها و کاهش اثرات منفی بر اقتصاد کلان اجرا کند.

کلیدواژه‌ها: هدف‌گذاری نرخ رشد پول؛ هدف‌گذاری تورم؛ کووید-۱۹؛ تعادل عمومی پویای تصادفی.

طبقه‌بندی JEL: C11, C13, C59, D13, D21, E58, G21

* a.ahmadian@mbri.ac.ir

ترکیب وضع قید علامت دار و وضع قید صفر در الگوی خودرگرسیون برداری: شناسایی شوک های سیاست پولی در ایران

محبوبه خادم نعمت اللہی* : دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
 تیمور محمدی : دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
 عباس شاکری : دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
 علی اصغر سالم : دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

این مطالعه به بررسی اثرات شوک های تقاضا، عرضه، نرخ ارز و سیاست پولی غیرمتعارف بر تولید ناخالص داخلی، تورم، نرخ ارز و نرخ بهره در ایران می پردازد. با استفاده از روش قید علامت، قید علامت صفر در کوتاه مدت و قید علامت صفر در بلندمدت در الگوی خودرگرسیون برداری، ما مدل های سه متغیره و چهارمتغیره با داده های نرخ بهره حقیقی، نرخ ارز واقعی، تولید ناخالص داخلی و تورم با داده ها از فصل اول سال ۱۳۴۰ تا فصل اول سال ۱۴۰۰ برآورد کردیم. بعد از آن، ما با استفاده از روش نمونه گیری مجدد بوت استرپ نشان دادیم که علامت های وضع شده در حلقه های ایجاد شده برآورد می شوند. ما نتیجه گرفتیم که شوک سیاست پولی غیرمتعارف مخصوصاً از نوع منفی یعنی شوک سیاست پولی منفی منجر به افزایش تولید ناخالص داخلی و کاهش در نرخ ارز واقعی می شود در حالی که کاهش در تورم را به همراه دارد. سیاست پولی غیرمتعارف می تواند برای تشویق اقتصاد به کار گرفته شود. روش ترکیبی جدید، مزیت شناسایی شوک های سیاست پولی غیرمتعارف را دارد و می تواند برای شناسایی شوک های اقتصادی دیگر به کار رود. سوال اصلی مقاله این است که آیا شوک سیاست پولی غیرمتعارف با قیود علامتدار و صفر شناسایی می شود و درصدد است که شوک های سیاست پولی غیرمتعارف را با رگرس مجموعه ای از متغیرهای بانک مرکزی شناسایی کند. معرفی این سیاست در کشورهای در حال توسعه مانند ایران برای دستیابی به اهداف تورم و تولید است.

کلیدواژه ها: قیود علامت و قیود علامتی صفر؛ انتقال پول؛ نرخ بهره منفی؛ سیاست پولی غیرمتعارف؛ نرخ ارز.

طبقه بندی JEL: C22, E4, E5, E31, F31

* m.khadem360@gmail.com

ارزیابی رابطه بین قیمت بیت کوین و دیگر گروه های سبد دارایی (مطالعه موردی شاخص های مالی آمریکا S&P500 و Nasdaq Composite)

مرضیه سادات سجادی* : گروه اقتصاد، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران.
رحمان خوش اخلاق : گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
سعید صمدی : گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
محمد واعظ برزانی : گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

با قرارگیری بیت کوین در پرتفوی افراد ضروری است که این دارایی از جنبه های گوناگون مالی مورد ارزیابی قرار گیرد. در این تحقیق رابطه بین قیمت بیت کوین، S&P500 و Nasdaq composite با استفاده از مدل VAR مورد ارزیابی قرار گرفته است. چون در مدل های VAR از ضرایب انفرادی نمی توان استنتاج آماری بدست آورد، توابع عکس العمل مورد ارزیابی قرار می گیرد. نتیجه آن است که یک واحد شوک انحراف معیار روی Nasdaq Composite اثرات تدریجی افزایشی و یک واحد انحراف معیار S&P500 اثر کاهشی منفی بر روی قیمت بیت کوین دارد. ولی یک واحد شوک انحراف معیار قیمت بیت کوین بر روی S&P500 و Nasdaq Composite اثری ندارد. مضافا با انجام آزمون علیت گرنجر Nasdaq Composite و S&P500 باعث تغییرات قیمت بیت کوین می شوند اما عکس آن درست نیست. با توجه به نتایج آماری فوق S&P500 و Nasdaq Composite و متغیرهای دامی مورد نیاز علت تغییرات آماری قیمت بیت کوین تشخیص داده شده و با استفاده از مدل ARDL مورد ارزیابی رگرسیونی قرار گرفته اند. ضریب تعدیل کوتاه مدت به بلندمدت تخمینی مدل ECM، -0.09 بوده و موثر می باشد. قدرت توضیحی کل مدل ۹۹ درصد است. چون تست های نرمال بودن و عدم ناهمسانی واریانس مورد تایید قرار نگرفته اند، با توجه به توانایی روش تخمین Robust در تعدیل این شرایط، این روش برای رگرسیون مدل ARDL مورد استفاده قرار گرفت. قدرت توضیحی این مدل بین ۶۴ و ۹۹ درصد است.

کلیدواژه ها: بیت کوین؛ همبستگی؛ علیت؛ نزدک کامپوزیت؛ اس اند پی ۵۰۰.
طبقه بندی JEL: G11, C51, C22, C87

* ma_sadjady@yahoo.com

نوسانات مخارج دولت و آثار آن بر ارزش بنگاه‌ها

سجاد برخوردار*
 رضا امیری
 : دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
 : وزارت امور اقتصاد و دارایی، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله آثار نوسانات در مخارج دولت بر ارزش بنگاه‌ها را در صنایع منتخب در بازار سهام تهران مورد بررسی قرار می‌دهد. روش TVP-FAVAR با استفاده از داده‌های فصلی برای دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۸ استفاده شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که ماهیت و شدت اثرات نوسان مخارج دولت بر ارزش بنگاه‌ها در صنایع مختلف، تغییر می‌کند. این نتیجه نشان می‌دهد به محض تغییر در زمان، اثرات نوسانات در مخارج دولت تغییر کرده و صنایع واکنش متفاوتی به این تغییرات رفتاری نشان می‌دهند. به‌طور ویژه، ارزش بنگاه‌ها در صنعت خودروسازی به‌طور سازگاری در کل دوره منفی است. در مقابل، واکنش صنعت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، همانند صنعت مواد و محصولات دارویی، به تغییرات در رفتار دولت مثبت است. بعلاوه، اثر مخارج دولت بر صنایع شیمیایی، گچ، سیمان، آهک، فلزات اساسی و فرآورده‌ها در طول زمان تغییر می‌کند و هر دو اثر مثبت و منفی در دوره کوتاه مدت و بلندمدت مشاهده گردید. بر اساس یافته‌ها این مقاله، پیشنهاد می‌شود که دولت وضعیت و عملکرد بنگاه‌ها را در سیاست‌گذاری اقتصادی خود مدنظر قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: روش TVP-FAVAR؛ مخارج دولت؛ ارزش بنگاه؛ نوسانات؛ بازار سهام تهران (TSE).

طبقه‌بندی JEL: C51, L25, H54, G32

* barkhordari@ut.ac.ir

پیش بینی بحران مالی در ایران با توجه به شیب منحنی بازده و شاخص اعتبار بانکی: رویکرد یادگیری ماشینی

رضا طاهری هفت آسیایی* : دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
پرویز پیری : دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
آمینة نادری : دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
نشیمیل اسماعیلی : دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

چکیده

این مطالعه به بررسی نقش اعتبار بانکی و متغیرهای کلان اقتصادی در پیش‌بینی بحران‌های مالی در ایران می‌پردازد. با توجه به اهمیت پیش‌بینی و مدیریت بحران‌های مالی در اقتصاد ایران، این مطالعه به شناسایی عوامل کلیدی و ساخت مدل‌های دقیقی جهت پیش‌بینی این بحران‌ها می‌پردازد. داده‌های پانل برای دوره ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۱ برای این مطالعه استفاده شد. از تکنیک‌های پیشرفته یادگیری ماشین و شبکه‌های عصبی برای تحلیل داده‌ها و ایجاد مدل‌های پیش‌بینی استفاده شد. این رویکردها امکان بررسی روابط پیچیده بین متغیرها را فراهم می‌آورند و باعث می‌شوند پیش‌بینی‌ها دقیق‌تر باشند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نسبت خدمت به بدهی بانکی، شیب منحنی بازده و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده از مهم‌ترین عوامل در پیش‌بینی بحران‌های مالی در ایران هستند. وام‌های بانکی نیز در این پیش‌بینی‌ها نقش کمتری دارند. مدل‌های استفاده شده، به‌ویژه شبکه‌های عصبی و جنگل‌های تصادفی، دقت بالایی در پیش‌بینی بحران‌های مالی نشان داده‌اند. بنابراین، این مطالعه پیامدهای مهمی برای سیاست‌های اقتصادی و مالی در ایران دارد. نتایج بر لزوم بازنگری در سیاست‌های مدیریت بدهی، بهبود محیط سرمایه‌گذاری و تنظیم دقیق‌تر سیاست‌های پولی و اعتباری تأکید می‌کند. این یافته‌ها می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان و مدیران اقتصادی کمک کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کرده و از بروز بحران‌های مالی آینده جلوگیری کنند.

کلیدواژه‌ها: وام بانکی؛ بحران‌های مالی؛ متغیرهای کلان اقتصادی؛ یادگیری ماشینی؛ شبکه‌های عصبی.

طبقه‌بندی JEL: E44, E37, C53, C45, G21, G01

* htaheri.reza7@gmail.com

تأثیر حذف دارایی های موهومی از ترازنامه بانک بر عرضه پول و سایر متغیرهای کلان

اقتصادی

حسام حسن پور : دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
 حسین صمصامی* : دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
 محمد علی نوجوان : دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

این مطالعه به بررسی دلایل افزایش نقدینگی از طریق ایجاد دارایی های موهومی و تأثیر این دارایی ها بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران می پردازد. با استفاده از روش های ساختاری اقتصادسنجی و ARDL، تأثیر حذف دارایی های موهومی از ترازنامه بانک های ایران بر عرضه پول و سایر متغیرهای کلان اقتصادی در بازه زمانی فصل اول ۲۰۰۶ تا فصل چهارم ۲۰۲۲ مورد بررسی قرار گرفته است. الگوی اقتصادسنجی طراحی شده شامل ۸ معادله رفتاری و ۷ معادله ساختاری است. دو سناریو در این مطالعه توسعه یافته است: سناریوی اول تأثیر پول مؤثر (میزان پول منهای دارایی های موهومی) بر متغیرهای کلان اقتصادی را بررسی می کند. سناریوی دوم تأثیر پول کل بر متغیرهای کلان اقتصادی را بررسی می کند. نتایج تحقیق نشان می دهند که وجود دارایی های موهومی در ترازنامه بانک ها باعث افزایش عرضه پول و کاهش کیفیت پول می شود. با این حال، دارایی های موهومی تأثیری بر بخش واقعی اقتصاد ندارند و تأثیر پول مؤثر بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید، سرمایه گذاری، اشتغال و مصرف بیشتر از تأثیر پول کل بر این متغیرها است. همچنین، نتایج نشان می دهند که پول نامؤثر صرفاً سطح قیمت ها را افزایش می دهد. لذا، از آنجا که بانک ها مهم ترین شریان هدایت نقدینگی در اقتصاد ایران هستند، لذا انضباط مالی بخش دولتی و انضباط پولی بخش بانکی می طلبد تا این دو نهاد با یکدیگر کمال همکاری را داشته باشند.

کلیدواژه ها: اصطکاک مالی؛ ورشکستگی؛ وام های غیر جاری؛ ریسک اعتباری.

طبقه بندی JEL: E4، E5، G2، E6

* H-Samsami @ sbu.ac.ir